



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹/ فرودین/ ۱۳۹۵

موضوع کلی: مقصد اول - اوامر

مصادف با: ۹ رجب ۱۴۳۷

موضوع جزئی: اجزاء_ مقام دوم_ اجزاء به اتیان مامور به، به امر اضطراری

(جهت ثبوتی)

جلسه: ۸۹

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در جهت ثبوتی اجزاء در اوامر اضطراری (اوامر واقعی ثانوی) نسبت به اوامر واقعی اولی محقق خراسانی چهار صورت تصویر نمودند که صورت اول بیان شد و معلوم گردید در فرض مشروعیت نماز با تیمم در اول وقت، اگر نماز با تیمم با همه شرایط خوانده شود و عمل مکلف واقعی به همه مصالح مورد نظر شارع باشد و هیچ نقصان و کمبودی نسبت به مامور به به امر اولی نداشته باشد. در اینصورت از نظر عقل قطعاً این نماز مجزی از امر اولی واقعی می باشد. مانند نماز مسافر نسبت به نماز حاضر.

صورت دوم

نماز با تیمم که مامور به به امر اضطراری می باشد، نسبت به نماز با وضو که مامور به به امر واقعی اولی است مصلحت کمتری داشته باشد. مثلاً اگر نماز با وضو ده درجه مصلحت داشته باشد، نماز با تیمم هشت درجه مصلحت دارد و این مصلحت به نحوی است که به هیچ عنوان قابل جبران نیست؛ یعنی اگر مکلف بعد از دسترسی به آب مجدداً وضو بگیرد و نمازش را با وضو بخواند باز مصلحت فوت شده نماز با وضو جبران نمی شود. گفته شد این صورت نیز قطعاً مجزی از امر واقعی اولی است؛ زیرا درست است که نمازی که خوانده شده واجد همه مصلحت مامور به به امر اولی یعنی نماز با وضو نیست (زیرا نماز با وضو ده درجه مصلحت داشته و نماز با تیمم هشت درجه مصلحت دارد) ولی مسئله این است که بعد از دسترسی مکلف به آب موضوع اتیان به نماز با وضو منتفی شده است. همانند اینکه اگر مولایی تشنه باشد و به عبدش دستور دهد برای او آب بیاورد و عبد به جهت عجله در رفع تشنگی مولا آب مطلوبی به او نرساند. در این صورت تشنگی مولا با خوردن آبی که توسط عبد آورده شده برطرف می شود. لذا دیگر موضوع تشنگی مولا از بین رفته و حتی اگر عبد آب بهتری برای مولا بیاورد برای او فائده ای ندارد زیرا نیاز مولا بر طرف گردیده و اکنون موضوعی برایش باقی نمانده.

بنابراین اگر نماز با تیمم به گونه ای باشد که واجد تمام مصلحتی که در نماز با وضو است نباشد، به نحوی که حتی اگر بعداً هم نماز با وضو خوانده شود، امکان جبران مصلحت فوت شده نمی باشد، در این فرض نیز قطعاً ملتزم به اجزاء از امر واقعی اولی می شویم.

صورت سوم

مامور به به امر اضطراری واجد همه مصلحت مامور به به امر واقعی اولی نمی باشد، اما مصلحت فوت شده توسط مکلف قابل استیفاء می باشد لکن استیفاء آن دارای رجحان است و الزامی برای استیفاء مصلحت فوت شده برای عبد نیست. مثلاً شخصی

نماز با تیمم خوانده که از نظر درجه مصلحت پایین تر از نماز با وضو می باشد و چنانچه مکلف نماز با وضو را اعاده کند آن مصلحت فوت شده و نقصی که در نماز با تیمم بوده را جبران می کند. یعنی اگر نماز با تیمم هشت درجه مصلحت داشت، مکلف دو درجه مصلحت را نسبت به نماز با وضو از دست داده لکن این مصلحت فوت شده توسط مکلف قابل استیفاء است و او می تواند با خواندن نماز با وضو آن دو درجه مصلحت را کسب کند. اما استیفاءی مصلحت فوت شده توسط مکلف ضرورتی ندارد زیرا مصلحتی که از او فوت شده به حدی نمی باشد که برای استیفاءی کامل مصلحت، دوباره نماز بخواند. زیرا مکلف حداقل مصلحت مورد نیاز را با نماز با تیمم کسب کرده است.

در این فرض نیز حکم به اجزاء از امر واقعی اولی می کنیم.

صورت چهارم

مامور به امر اضطراری از نظر مصلحت در مقایسه با مامور به امر واقعی اولی در مرتبه پایین تری است، لکن بر خلاف صورت سوم مصلحت فوت شده دارای اهمیت و قابل توجه است، به نحوی که اگر مکلف بخواهد حداقل مصلحت مورد نظر مولا را به دست بیاورد باید آن مصلحت فوت شده را جبران کند. مثلاً نماز با تیمم در مقایسه با نماز با وضو از نظر مصلحت فاصله زیادی دارد، به این معنا که اگر نماز با تیمم سه درجه مصلحت دارد، نماز با وضو ده درجه مصلحت دارد که این فاصله یک فاصله قابل توجهی است و استیفاءی این مصلحت فوت شده بر مکلف لازم است.

پس اگر مصلحت فوت شده به نحوی باشد که قابل جبران باشد و جبران آن مصلحت نیز بر مکلف لازم باشد در این صورت باید قائل به عدم اجزاء از امر واقعی اولی شویم.

نتیجه بحث در جهت ثبوتی

پس مامور به امر اضطراری در مقایسه با مامور به امر واقعی به حسب مقام ثبوت از چهار صورت خارج نیست:

- ۱: مامور به اضطراری واجد همه مصالح مامور به واقعی هست و هیچ فرقی ندارد.
- ۲: مامور به اضطراری هر چند از نظر مصلحت در مرتبه پایین تری از مامور به واقعی قرار گرفته ولی اساساً زمینه ای برای جبران مصلحت آن مصلحت از دست رفته وجود ندارد.
- ۳: مامور به اضطراری در درجه پایین تری از مصلحت نسبت به مامور به واقعی است ولی مصلحت فوت شده قابل جبران است اما لزومی برای جبران آن نیست.

۴: مامور به امر اضطراری بیشتر مصلحت های مامور به واقعی را از دست داده و جبران این مصلحت بر مکلف لازم است.

در سه صورت اول حکم به اجزاء نمودیم و در صورت اخیر حکم به عدم اجزاء کردیم

جهت اثباتی

در جهت اثباتی در پی به دست آوردن مفاد ادله هستیم و قصد داریم بررسی کنیم اگر شخصی مامور به امر اضطراری را اتیان کند، مجزی از مامور به امر واقعی اولی می باشد یا خیر؟ (همانطور که قبلاً بیان شد فرض این است که شخصی که مامور به امر اضطراری را انجام داده در داخل وقت، اضطرارش باقی است)

حال بحث در این است که اگر در داخل وقت اضطرارش برطرف شد آیا اعاده بر او واجب است یا اگر اضطرار مکلف خارج از وقت بر طرف شد آیا قضا بر مکلف لازم است یا خیر؟ اگر داخل وقت اضطرار مکلف برطرف شد مسئله اعاده مطرح می‌شود و اگر خارج از وقت اضطرار بر طرف شد مسئله قضا مطرح است. لذا هر دو جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از شروع بحث لازم به یادآوری است که موضوع بحث عبارت است از جایی که مأمور به امر اضطراری واجد همه شرایط و خصوصیات بوده و به صورت صحیح انجام شده و بعد از اتمام آن کشف خلافی نشده، لذا مشکلی از حیث مشروعیت ندارد. مثلاً نمازی با تیمم خوانده شده و همه شرایط مورد نظر شارع در آن موجود بوده و بعد هم معلوم نشده که آب وجود داشته. آن گاه بحث در این است که آیا این نماز با تیمم مجزی از مأمور به امر واقعی می‌باشد یا خیر؟

پس در رابطه با این عمل اصل مشروعیت عمل مفروغ عنه است. یعنی از نظر شرع عمل مکلف مشکلی ندارد و صحیح است. مثلاً اگر گفتیم کسی واجد الماء نیست ولی اگر صبر کند می‌تواند به آب دسترسی پیدا کند اینجا اگر شخصی قائل به عدم جواز مبادرت به نماز شد و گفت مکلف نباید نماز بخواند و باید صبر کند تا مایوس از یافتن آب شود و بعد نماز خودش را با تیمم بخواند. در اینصورت اگر مکلف اول وقت نمازش را با تیمم بخواند دیگر این بحث مطرح نمی‌شود زیرا وظیفه او خواندن نماز با تیمم نبوده و باید تا مایوس شدن از یافتن آب صبر می‌کرد.

پس اساساً وقتی بحث از اجزاء می‌کنیم، در صورتی است که هم صحت آن مأمور به اضطراری و هم مشروعیتش مخدوش نباشد. حال باید ببینیم مقتضای ادله و روایات در مسئله اجزاء مأمور به امر اضطراری از مأمور به امر واقعی چیست؟ کسی که قائل به تعدد امر است یک نحو وارد بحث می‌شود و کسی تعدد امر را قبول ندارد به نحو دیگری وارد بحث می‌شود لذا این مسئله را باید مطابق دو مبنا بررسی کنیم.

قبلاً هم در مقدمات بحث اشاره کردیم محقق خراسانی قائل به تعدد امر می‌باشند. یعنی امری که متوجه مکلف می‌گردد در مأمور به واقعی اولی متفاوت از امر به مکلف در مأمور به اضطراری می‌باشد. یعنی شارع دو امر متوجه مکلف کرده: یک اقیموا الصلوة به شخصی که واجد الماء است و یک اقیموا الصلوه هم به شخصی که فاقد الماء است.

ولی بعضی از محققین از جمله امام(ره) قائل به عدم تعدد اوامر می‌باشند و معتقدند که شارع یک امر بیشتر ندارد و آنچه که از تفاوت دستورات مولا در خارج مشاهده می‌شود، کیفیت‌های مختلف اتیان به امر است. زیرا مکلف بررسی امتثال امر حالت‌های متفاوتی دارد و وظیفه او در هر حالتی مستقلاً بیان شده است. مثلاً در مورد اقامه نماز مولا یک امر بیشتر ندارد منتهی نماز انسان در حالت وجدان ماء با طهارت مائیه با نماز انسان در حالت فقدان ماء با طهارت ترابیه دو حالت مختلف است. مثل امر به نماز ایستاده یا نماز نشسته. اینجا تعدد امر نیست بلکه حالات مختلف مکلف برای عمل به مأمور به است.

پس با توجه به این دو مبنا، مسئله اجزاء را نیز طبق این دو مبنا بررسی می‌کنیم. اینجا فرضی وجود دارد که باید بررسی شوند. «والحمد لله رب العالمین»